حافظ، آوازخوان نبود

سادات، سعید

آن قدر خوب ترجمه کرده که این ترجمه بی‏نیاز از توضیح است.در حالی که من بیشتر از حجم غزل‏ها،توضیح و تفسیر نوشته‏ام.

حسن‏لی:در واقع شما خواسته‏اید با توضیحات خودتان که در پاورقی ترجمه آمده،بخشی از مشکلات ترجمه را حل کنید و بخشی‏ از مفاهیمی که از طریق ترجمه منتقل نمی‏شده از طریق توضیحات‏ منتقل کنید.درست است؟

فوشه کور:بله.این موضوع خیلی اهمیت دراد.من این مسئله‏ را آزمایش کرده‏ام و نتیجه‏ی جالبی به دست آمده است.

من یک موقع آمدم و یکی از غزل‏ها را که ترجمه کرده بودم، همراه با توضیحات آن که در پاورقی بود به سه نفر فرانسوی دادم.آن‏ سه نفر با ادبیات فارسی هیچ آشنایی نداشتند.از آن‏ها خواستم که‏ بخوانند و نظرشان را بنویسند.این سه نفر هیچ ارتباطی با هم نداشتند. بعد هر کدام از ین سه نفر(دو مرد و یک زن)که پیش من آمدند. دیدم یک حرف مشترک دارند و آن این‏که می‏گفتند:اول بار که متن‏ ترجمه و توضیحات را خواندیم چیزی نفهمیدیم و مجبور شدیم چندین‏ بار ترجمه و توضیحات را بخوانیم و کم کم آن را بفهمیم.هر کدام در چهار یا پنج صفحه تفسیر نوشته بودند.امّا چیز جالب آن که هر کدام‏ از این‏ها دریافت خودش را نوشته بود و با دریافت دیگری فرق داشت. یعین این‏ها سه دریافت متفاوت از همین ترجمه و توضیحات آن‏ داشتند.من قبلا به آن‏ها گفته بودم که وقتی شعر یک شاعر را به زبان‏ دیگر ترجمه می‏کنیم،نصف شعر منتقل می‏شود.نصف دیگر آن از فیلتر ترجمه نمی‏گذرد.این موضوع برای من بسیار جالب بود.یعنی با آن که شعر حافظ ترجمه شده بود و ترجمه هم با توضیحات روشن‏تر شده بود،باز هم تفسیرهای مختلف را به وجود آورده بود.این نشانه‏ی‏ خاصیت شگفت‏آور شعر حافظ است.این یک معجزه است!این خیلی‏ عجیب است!با آن که شعر حافظ را من ترجمه کرده‏ام و آن را توضیح‏ داده‏ام و بسیاری از لایه‏های پنهانی متن در ترجمه از دست رفته است. سه نفر این ترجمه و توضیحات را دیده‏اند و باز هم سه تفسیر مختلف‏ از این متن را رائه داده‏اند.این شگفت‏آور نیست؟!

حسن‏لی:یکی از خاصیت‏های شعر حافظ آینه‏گونگی آن است. شعر حافظ مثل یک آیینه است که هر کس در آن نگاه می‏کند چهره‏ی‏ خودش را می‏بیند.شعر حافظ مثل یک آینه‏ی بلند قد و تمام‏نما است‏ که حافظ پشت آن آینه پنهان شده است.و ما وقتی شعر حافظ را می‏خوانیم،پیش از این‏که حافظ را ببینیم،خودمان را می‏بینیم.این‏ در صورتی است که شعر سعدی-هم هشری حافظ-مثل یک شیشه‏ ی شفاف،روشن و زلال است.مثل یک ویترین است که سعدی با آن‏ چهره‏ی شوخ و شنگ خود در آن طرف این شیشه و ویترین شفاف‏ نشسته است و ما را به دیدن خودش فرا می‏خواند.

فوشه کور:عجب مثال خوبی زدید.جالب بود.درست است من‏ هم همین طور فکر می‏کنم.

حسن‏لی:جناب فوشه کور!شما در ترجمه‏ی غزل‏های حافظ از ترجمه‏های دیگران هم استفاده کرده‏اید،یا نه؟

فوشه کور:نه.من فقط به متن شعر حافظ کار داشتم و به‏ توضیح و تفسیر حافظشناسان ایرانی.شما ایرانیان در توضیح و تفسیر شعر حافظ خیلی پیشرفت کرده‏اید و من بیشتر از همین تفسیرها و توضیحات استفاده کرده‏ام.امّا باز هم هنوز بعضی مطالب را نفهمیده‏ام‏ و به کمک شما احتیاج دارم.مثلا در همان غزل معروف.

سال‏ها طلب جام جم از ما می‏کرد. آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‏کرد

بیت

مشکل خویش بر پیرمغان بردم دوش‏ کو به تأیید نظر حل معما می‏کرد

مسئله‏ی«تأیید نظر»را من نمی‏فهمم.«تأیید نظر»یعنی چه؟ معنی تأیید را می‏فهمم.معنی نظر را هم می‏فهمم ولی«تأیید نظر» یعنی چه؟چه‏گونه آن را ترجمه کنم.این را هم می‏فهمم که حافظ می‏گوید با سخن و با کلمه حل معما نکرد.بلکه با تأیید نظر حل معما کرد.حالا من این را چگونه ترجمه کنم.

حسن‏لی:شما مفهوم«تأیید نظر»را نفهمیدید یا مفهوم آن را فهمیده‏اید،امّا نمی‏دانید چه گونه ترجمه کنید؟

فوشه کور:نه.خودم نفهمیدم.

حسن‏لی:خوب حالا که ترجمه‏ی شما زیر چاپ است.پس شما بالاخره ترجمه کرده‏اید.

فوشه کور:ترجمه کرده‏ام.ولی هنوز راضی نیستم.

حسن‏لی:خوب.به نظر می‏رسد امروز خیلی خسته شدید. می‏ترسم از من هم راضی نباشید.می‏توانیم بقیه‏ی گفت‏وگوها را به‏ زمانی دیگر موکول کنیم.زمانی که شما مثل امروز خسته نشده‏ باشید.

فوشه کور:به امید آن روز هستم.

حسن‏لی:از شما خیلی ممنونم.خسته نباشید.

حافظ آوازخوان نبود

دکتر سعید سادات

پیرو مناظره‏یی که در شماره‏های قبلی حافظ،بین آقایان‏ سید حسن امین و محمود شاهرخی(جذبه)رخ داد،از باب تایید نظر آقای شاهرخی عرض می‏شود:

حافظ مانند بسیاری از مفاخر دانش قرآن را از برداشته و برای‏ فراگرفتن قرائت صحیح و داشن قرآن نزد استاد به تعلم علم‏ موسیقی همت گماشته و از این علم نیز بهره‏مند گردید و از این‏ روست که غزل‏هایش را در بحور و اوزانی ساخته که بیش‏تر «ضربی»یعنی سریع است.غزل‏های حافظ در ده بحر ساخته شده‏ که دو بحر آن دو ضربی و چهار بحر،سه ضریب،یک بحر،پنج‏ ضربی‏ست.از نظر موسیقی بحور رمل مقتضب و سریع شش‏ ضربی‏ست،بحور مجتث و مضارع هزج و خفیف سه ضربی‏ست. بحور متقارب و رجز دو ضربی و بحر منسوح،پنج ضربی‏ست و با یک‏دیگر قرار می‏گیرند در هر بیت از غزل‏های خواجه حافظ می‏توان یک موسیقی دلنشینی یافت.

بنابراین خطاست که حافظ را آوازخوان و مطرب یا قاری قرآن‏ بشناسیم.حافظ از دانش موسیقی برای استفاده در شعر فارسی‏ (مانند احاطه در علوم قرآن و تفسیر این‏که قرآن را با چهارده‏ روایت می‏خواند و از برداشت)،بهره می‏گرفت،اما خواجه قاری به‏ معنی اعم و یا خواننده و آوازخوان و مطرب بدین معنی بوده است.